

هانس کریستین اندرسن، پدر ادبیات کودک جهان

هانس کریستین اندرسن، پسری که در دوم آوریل سال ۱۸۰۵ میلادی، در کلبه محقر کفاش فقیر در اودنسه واقع در جزیره فیونن در خانه به دنیا آمد، بعدها پدر ادبیات کودکان لقب گرفت.



هانس کریستین اندرسن، پسری که در دوم آوریل سال ۱۸۰۵ میلادی، در کلبه محقر کفاش فقیر در اودنسه واقع در جزیره فیونن در خانه به دنیا آمد، بعدها پدر ادبیات کودکان لقب گرفت.

خبرگزاری مهر، گروه فرهنگ و ادب: پسری که در دوم آوریل سال ۱۸۰۵ میلادی، در کلبه محقر کفاش فقیر در اودنسه واقع در جزیره فیونن در خانه به دنیا آمد، بعدها پدر ادبیات کودکان لقب گرفت. پدرش کفاشی تهی دست و علیل و رنجور، ولی زحمتکش، با فرهنگ و باسواد؛ و مادرش، زن ساده، خشن و بی سواد بود که رختشویی می کرد. اما همین مادر بی سواد و خرافاتی، اولین کسی بود که درهای جهان ادبیات شفاهی و عامیانه را به سوی هانس کوچک گشود.

هانس کریستین اندرسن، نویسنده مشهور دانمارکی، در خانواده فقیری به دنیا آمد، اما پدرش که به ادبیات علاقه مند بود، برای او داستان های هزار و یک شب و نمایشنامه های شکسپیر را می خواند. اندرسن از همان کودکی به تئاتر علاقه نشان داد و با عروسک هایش نمایش اجرا می کرد.

هانس پدرش را در ۱۱ سالگی از دست داد و با فقر و سختی بزرگ شد. مدت کمی در مدرسه یتیمان و بینوایان به تحصیل مشغول شد، از آن جایی که بسیار حساس و عاطفی بود و از تحقیر و توهین وحشت داشت، مدرسه را رها کرد و با همان اندک سواد که داشت، مطالعه را رها نکرد. گاهی دچار حمله های عصبی و گرفتگی عضلات می شد که بسیاری به اشتباه، آن را حمله های صرعی و غش می پنداشتند. شاگرد بافندگی و خیاطی را تجربه کرد و بعد هم در کارخانه توتون سازی مشغول به کار شد. در تمام این احوال، مادرش او را تشویق می کرد تا قصه های پریان بنویسد و خیمه شب بازی عروسکی راه بیندازد.

در ۱۴ سالگی به کپنهاگ رفت و به دلیل صدای رسا در تئاتر رویال مشغول به کار شد، پس از آن با حمایت مالی پادشاه فردریک ششم که یک مقرری مسافرتی به او اعطا کرد، از سال ۱۸۲۱ به خارج از کشور و دیگر کشورهای اروپایی سفر کرد. اندرسن کشورهای ایتالیا، فرانسه، اسپانیا، بریتانیا، پرتغال، سوئیس و آلمان را دید، در این سفرها با نویسندگان بزرگی مانند چارلز دیکنز و ویکتور هوگو هم آشنا شد.

او چندین سفرنامه و کتاب نوشت، اما شهرت اندرسن به خاطر داستان ها و قصه های پریان اوست که آن ها را بین سال های ۱۸۳۵ و ۱۸۷۲ نوشته است. اولین دوره کتاب قصه های پریان او، در سال ۱۸۳۵ در دسترس همگان قرار گرفت. دومین دوره آن، در سال های ۴۲-۱۸۳۸ انتشار یافت و سومین دوره آن، در سال ۱۸۴۵ به دست مشتاقان رسید. اندرسن، زمینه جدیدی را هم در سبک و هم در متن عرضه داشت و اصطلاحات و نظم و ترتیب و آرایش واردهای زبان گفتاری را به طریقی به کار گرفت که در ادبیات دانمارکی تازگی داشت.

برخی از قصه های اندرسن، اعتقاد و باور خوشبینانه ای را در پیروزی خوبی ها بر بدی ها نشان می دهد: مانند ملکه برف ها و جوجه اردک زشت و بعضی هم پایان غم انگیز و تلخی دارند؛ مثل دخترک کبریت فروش و پری دریایی کوچک. نویسنده در آن ها، حسرت و آرزوی دستیابی به یک زندگی عادی و معمولی را بیان می کند که خودش هرگز تجربه نکرد. شناخت و آگاهی او از بدبختی و بی خانمانی، فقر و تهی دستی، درد و شوربختی آدمی و انعکاس آن ها - در قصه هایش، مفهوم و مضمونشان را بسیار قانع کننده، گیرا و جذاب ساخته است.

قصه های اندرسن در سراسر اروپا ترجمه شد؛ او بیش از ۱۵۰ داستان نوشت که به بسیاری از زبان های دنیا ترجمه شده اند از برجسته ترین داستان های او می توان به این موارد اشاره کرد: دختر کبریت فروش، پری دریایی کوچک، ملکه برفی، فندک جادو، بند انگشتی، جوجه اردک زشت، لباس جدید پادشاه، ملکه گل ها، قوهای وحشی، افسانه های باغ بهشت، آدمک چوبی، فانوس فرسوده، داستان های کوتاه کودکان، سرباز حلبی، دوشیزه یخ ها، ازدهای پنج سر، درخت صنوبر، و شاهزاده و نخود.

در اکثر آثار او، زندگی واقعی با تخیل چنان به هم گره خورده است که خواننده را به شگفتی وامی دارد؛ چرا که تفکیک این دو عنصر برای او بسیار دشوار است. تمام شخصیت های داستانی و قهرمانان آثار او، اعم از حیوانات، پرندگان، گیاهان، حتی باد و دریا و اشیا وhellip; سخن می گویند. اندرسن واقعیت و خیال را با استادی تمام در هم می آمیخت. قصه های پریان او آمیزه ای

است از طنز و امور خارق العاده. آنچه در داستان های او می خوانیم و می شنویم، در اصل خواسته های آمال، خصوصیات روحی و مسائل زندگی خود مردم است که با دقت و ظرافت خاصی، در قصه ها گنجانده است.

هرچند بعضی از داستان هایش را از تاریخ، با قصه های شفاهی عوام و ادبیات عامیانه توده مردم دانمارک اقتباس کرده است؛ بیشتر قصه ها از خلاقیت و استعداد و قریحه و ذوق خود او و نیز از تجربه های شخصیش یا تجارب دوستان و دشمنانش تأثیر پذیرفته که به شکل های گوناگون و صورت های مختلف، حضور خود را نشان داده اند.

جایزه هانس کریستین اندرسن، نوبل ادبیات کودک

این جایزه که به «نوبل کوچک» معروف است، جایزه هانس کریستین اندرسن معتبرترین جایزه بین المللی در حوزه ادبیات کودک است که هر دو سال یک بار توسط هیئت بین المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) به نویسندگان و تصویرگران اهدا می شود. از جمله معیارهای گزینش برندگان می توان به کیفیت بالای زیبایی شناختی آثار نویسنده و تصویرگر، در نظر گرفتن مخاطب کودک، خلاقیت و نوآوری و اصالت و مهم تر از همه داشتن سهم جاودان در ادبیات کودکان جهان اشاره کرد. برندگان این جایزه مدال طلائی با تصویر هانس کریستین اندرسن و یک دیپلم دریافت می کنند.

جایزه نویسندگی از سال ۱۹۵۶ و جایزه تصویرگری از سال ۱۹۶۶ آغاز شد. آثار بر اساس کیفیت هنری و ادبی، توانایی درک دیدگاه کودکان، و ایجاد کنجکاوی و تخیل در آن ها ارزیابی می شوند.

برخی از نویسندگان و تصویرگران برجسته ای که این جایزه را کسب کرده اند عبارتند از: هاینز یانیش (نویسنده، اتریش) و سیدنی اسمیت (تصویرگر، کانادا) جودی بلوم (ایالات متحده) جان آگارد (بریتانیا) گوستی (آرژانتین)

تاکنون هیچ نویسنده ایرانی به طور رسمی برنده جایزه هانس کریستین اندرسن نشده است. اما فرشید مثقالی در سال ۱۹۷۴ به عنوان تنها تصویرگر ایرانی، این جایزه را در بخش تصویرگری دریافت کرد. از بین نویسندگان ایرانی، هوشنگ مرادی کرمانی در سال ۱۹۹۲ مورد تشویق هیئت داوران قرار گرفت و فرهاد حسن زاده در سال ۲۰۱۸ لوح سپاس را دریافت کرد.

برخی از نویسندگان ایرانی که نامزد دریافت این جایزه شده اند عبارتند از: هوشنگ مرادی کرمانی (۱۹۹۲) محمدرضا یوسفی (۲۰۰۰) فرهاد حسن زاده (۲۰۱۸ و ۲۰۲۰) و جمشید خانیان (۲۰۲۴).

توران میرهادی (۱۹۷۸، ۱۹۷۶، ۱۹۸۸، ۱۹۸۶)، ثریا قزل ایاغ (۱۹۹۲)، منصوره راعی (۱۹۹۸، ۲۰۰۰)، زهره قایینی (۲۰۰۲، ۲۰۰۴)، پرناز نیری (۲۰۰۶) و سحر ترهنده (۲۰۱۲) عضو هیئت داوران این جایزه بوده اند. زهره قایینی سرپرست مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و عضو شورای کتاب کودک ایران در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ در جایگاه رئیس هیئت داوران این جایزه قرار گرفت و هم اکنون عضو هیئت مدیره این دفتر است.

همچنین به پاس خدمات اندرسن به ادبیات کودک، روز تولد او (۲ آوریل) به عنوان «روز جهانی کتاب کودک» نامگذاری شده است.

سرانجام پسرک قصه گو

هانس کریستین اندرسن هفتاد سال عمر کرد، و این زمان کافی بود تا زادگاهش اودنسه را _که به افتخار او چراغانی شده بود_ به چشم خود ببیند. او مردی حساس و متفکر بود، این دو خصیصه از کودکی، از همان زمانی که فقر و تنهایی به سراغ او آمده بود، در وجود او جوانه زد. به اعتقاد خودش و بسیاری دیگر، آثار او سرگذشت خودش و بخشی از قصه پریان است: پسر کفاش فقیری که به دنبال شهرت و محبوبیت، خانه را ترک می کند و سرانجام، معروف ترین پسر کشور دانمارک می شود. مثل جوجه اردک زشتی که قوی زیبایی شد.

وقتی در آخرین سال های زندگی اش، داشتند مجسمه ای برایش طراحی کرده می کردند که عده ای کودک دور او جمع شده بودند، عصبانی شد و اعتراض کرد و در دفتر خاطراتش نوشت: «قصه های پریان من، همان اندازه که متعلق به بچه هاست، به بزرگ ترها هم تعلق دارد. من به همه نسل ها وابسته ام.»

با این حال او وصیت کرده بود مراسم تشییع اش با موسیقی ای مناسب قدم های کودکان برگزار شود. هانس کریستین اندرسن هرگز ازدواج نکرد، و قصه زندگی اش در ۴ اوت ۱۸۷۵ به پایان رسید. پسرک قصه گوی دانمارکی باری گفته بود: «داستان ها، چون بذره های گیاهان هستند که همه جا پاشیده شده اند. تمام چیزهایی که برای آن ها لازم و ضروری است تا یکباره به گل بنشینند،

نفس نسیمی، پرتوی از خورشید، یا اندکی تجربه تلخ است.»